

مذاکرات مجلس

شماره
شصت و چهارم

جلسه
۹۸

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه پنجشنبه ۱۴

اردیبهشت ماه ۱۳۰۶

مطابق ۳ ذیقعده الحرام

۱۳۴۵

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

قیمه اشتراك

داخله ایران سالانه ده تومان

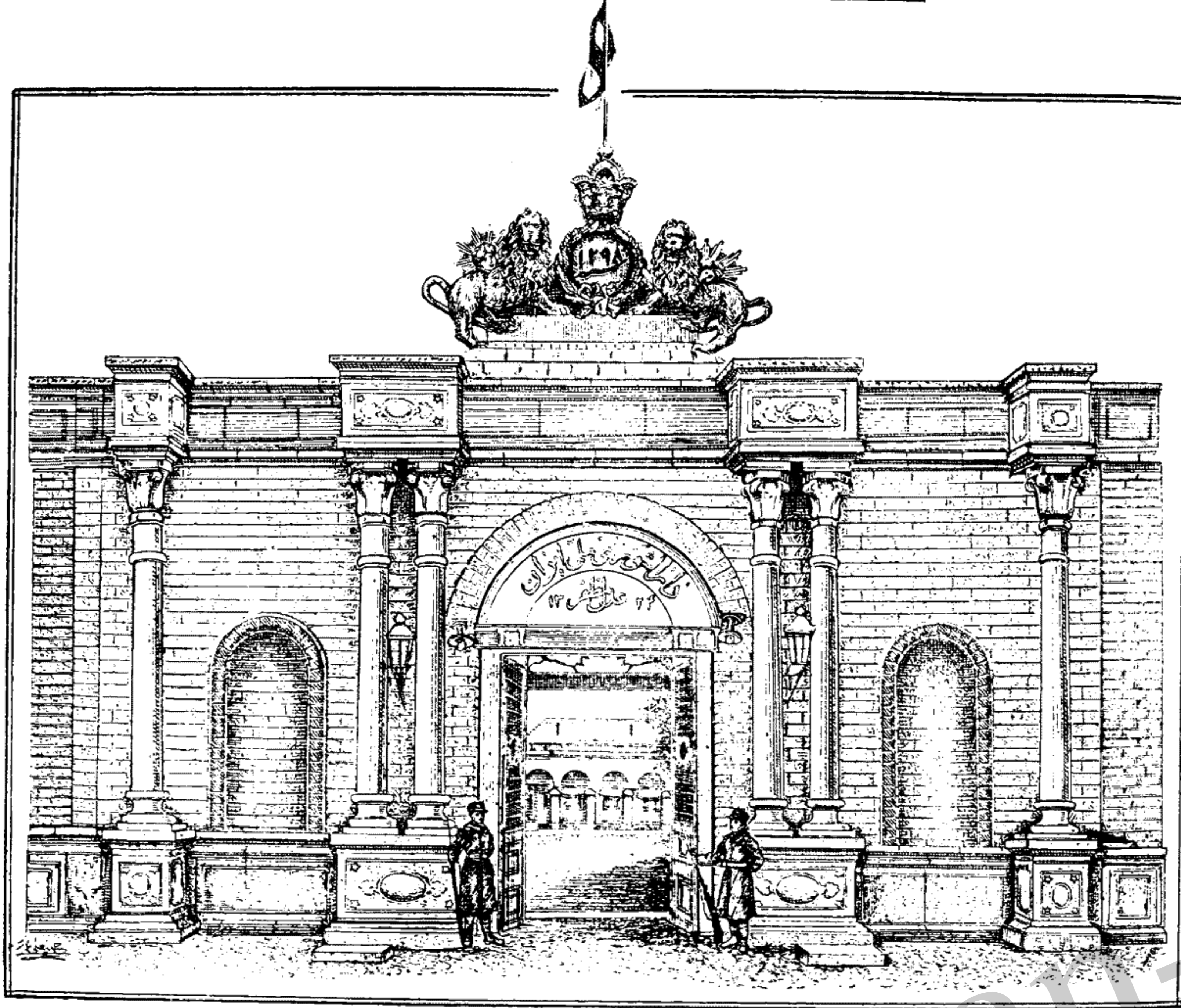
خارجه « دوازده تومان

قیمه تک شماره

یک قران

فهرست مندرجات

عمره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	مذاکره در اطراف انتخابات سیرجان و ارجاع دوسیه مزبور به شعبه ششم بحکم قرعه	۱۲۹۰	۱۳۰۰
۲	بقیه شور نانی نسبت بخر کمیسیون معارف راجع به تعلیمات عمومی و تصویب قانون مزبور	۱۳۰۰	۱۳۰۱
۳	بقیه شور نسبت بخر کمیسیون قوانین مالیه راجع به تأسیس بانک ملی و تصویب قانون مزبور	۱۳۰۱	۱۳۰۹
۴	قانون اجازه تأسیس بانک ملی ایران برای پیشرفت امر تجارت و فلاح و زراعت و صناعت	۱۳۱۰	
۵	قانون اعتبار برای تشکیل مدارس ابتدائی و تعلیمات عمومی	۱۳۱۲	



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ مطابق ۳ ذیقعده الحرام ۱۳۴۵

جلسه ۹۱

غائبین با اجازه جلسه قبل

آقایان: موقر - حاج میرزا حبیب الله امین - اسفندیاری -

نظام مافی - ضیاء - دادگر - حشمتی - پالیزی - عباس

میرزا - نوبخت - بهار - یحیی خان زنگنه

(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر

بریاست آقای پیرنیا تشکیل)

(و صورت مجلس روز سه شنبه دوازدهم

اردیبهشت را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان : علی خان اعظمی - محمد آخوند - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک - فرشی - دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان : شریعت زاده - میرزا یدالله خان - میرزا عبدالله خان وثوق

دیر آمده بی اجازه جلسه قبل

آقای : امیر حسین خان ابلخان

رئیس - صورت مجلس ایرادی دارد یا نه؟ (گفتند - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

جمعی از نمایندگان - دستور

رئیس - وارد دستور شویم

(گفتند - بلی)

حق نویس - بنده از وزارت فوائد عامه سؤالی کرده بودم اگر برای جواب حاضرند . عرض بکنم .

رئیس - (خطاب بمعاون وزارت فوائد عامه) برای جواب حاضر هستید یا نه ؟

معاون وزارت فوائد عامه - عرض کنم که یکی از آقایان نمایندگان محترم راجع بکارخانه کبریت سازی از وزارت فوائد عامه سؤالی کرده بودند که برای اطلاع خاطر محترمشان جواب بعرض خواهم رساند و اگر آقایان دیگر سؤالی دارند ممکن است در جلسه آتی بعرض کنم .

رئیس - بماند برای جلسه دیگر ؟

معاون وزارت فوائد عامه - بلی .

رئیس - بقیه انتخابات سیرجان مطرح است . پیشنهادی آقای کازرونی کرده بودند و در اطراف آن پیشنهاد چند روز قبل مذاکرانی شد بقیه مذاکرات مانده است برای امروز . قرائت میشود .

(پیشنهاد مزبور این قسم قرائت شد)

نظر بانکه شعبه شش بر خلاف نظر انجمن نظار سیرجان راجع بان انتخابات آن نقطه رایورنی تهیه کرده و مجلس شورای ملی آن رایورت را رد نموده و بالنتیجه نظریه انجمن نظار تأیید شده است لهذا امضا کنندگان ذیل پیشنهاد می کنیم که بنمایندگی آقای بدر رأی گرفته شود - یعقوب الموسوی - کازرونی

رئیس - دو فقره پیشنهاد رسیده است که مقدم بر این پیشنهاد است . یکی از آقای باستانی است راجع بخروج از دستور یکی هم از آقای شریعت زاده است . پیشنهاد آقای باستانی قرائت میشود .

(اینقسم قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که انتخابات سیرجان از دستور امروز خارج شود .

باستانی - اساساً موضوع انتخابات سیرجان يك وضع مخصوصی بخود گرفته و این فورمولهایی که آقایان پیشنهاد می کنند بعقیده بنده مشکل است بشود رأی گرفت و اینها رفع شبهه را نمی کنند زیرا بالاخره يك رایورنی از يك شعبه لازم است که موافق و مخالف روی آن صحبت کنند و رأی بدهند ولی این پیشنهاد آقایان کازرونی و آقا سید یعقوب يك پیشنهادی است که بعقیده بنده سابقه ندارد و نظامنامه اجازه نمیدهد که ما همچو پیشنهادی بکنیم که همینطور دیمی بنمایندگی يك کسی رأی گرفته شود . اینگونه سوابق را در مجلس گذاشتن بعقیده بنده خوب نیست و ما باید يك راه حل قانونی برای اینکار فکر کنیم و این پیشنهاد بنده هم برای یافتن راه حل است چند روز قبل آقای مدرس پیشنهاد کردند از دستور خارج شود که در خارج يك مذاکرانی بعمل آید بلکه توافق نظری حاصل شود و روی يك فورمول صحیحی بشود رأی گرفت ولی این اقدامات هنوز منتج نتیجه مثبت یا منفی و يك طرفی نشده است ولی مذاکرات قطع هم نشده است و ما بوس هم نیستیم از

دارم که این عمل را امروز قطع کنیم و بیش از این این کار بتأخیر نیفتد .

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای باستانی یعنی خروج از دستور آقایان موافقین قیام فرمایند (عده قلبی بر خاستند)

رئیس - تصویب نشد . پیشنهاد آقای شریعت زاده (بن ترتیب قرائت شد)

نظر بن این که طرح موضوع انتخابات سیرجان و تجدید مذاکره در آن بر خلاف اصول قانونیه و سوابق مجلس است .

نظر بن این که حفظ اصول و حفظ سوابقی که مؤید اصول مساعده است وظیفه مجلس شورای ملی و فراد نمایندگان است

علیهذا پیشنهاد می کنم که موضوع مزبور مطرح نشود .

بعضی از نمایندگان - این پیشنهاد رد شد

شریعت زاده - برای رفع شبهه از آقایانی که تصور میکنند این پیشنهاد همین پیشنهاد آقای باستانی است عرض می کنم که پیشنهاد آقای باستانی راجع بخروج از دستور بود و سلب صلاحیت از این مطلب برای اینکه موضوع مذاکره نشود نگردد بنده موافق دلالتی که بعرض خواهم رسانید معتقدم که مذاکره در این موضوع و تجدید بحث در این باب نباید در مجلس بشود و انتظار دارم که آقایان نمایندگان محترم بدلائل بنده توجه خصوصی خواهند فرمود . برای اینکه به نتیجه برسیم لازم است يك جمله را بعرض آقایان برسانم و آن این است که اصل مسلم و محقق این است که در يك انتخابات کسی که حائز اکثریت است نماینده است . این اصل یکی از اصول مساعده حکومت ملی است و از همین نقطه نظر است که در قانون انتخابات مواد هاست که از آن مستفاد میشود که انجمن نظار صلاحیت برای انشاء حکم بجهت سلب حق انتخاب از اهالی هیچیک از نقاط مملکت

اینکه راه حلی پیدا شود باین جهت بنده پیشنهاد کردم که این قضیه فعلاً از دستور خارج شود بلکه تا جلسه آتی يك راه حلی برای اینکار پیدا کنیم که مطابقت با نظامنامه هم داشته باشد .

رئیس - آقای امیر حسینخان

امیر حسین خان - بنده خیلی متأسفم که این سابقه خروج از دستور طوری میشود که بالاخره ممکن است يك مطالبی بیاید بمجلس و خیلی هم لازمه باشد بواسطه همین پیشنهاد خروج از دستور دو سال يك عمل مهمی وقت مجلس را بگیرد و این پیشنهاد خوبی نیست . در جلسه سابق که از دستور خارج شد برای این بود که يك راه حلی پیدا شود . آقای آقا سید یعقوب هم قبول کردند که بماند برای جلسه امروز . حالا آقای باستانی پیشنهاد کرده اند که از دستور امروز خارج شود باز ممکن است در جلسه آتی بکنند دیگر پیشنهاد کنند که از دستور خارج شود بالاخره باید تکلیف نمایندگی نماینده سیرجان معین شود و اینکه میفرمایند بر خلاف نظامنامه است بنده هیچ خلاف نظامنامه در این کار و این پیشنهاد نمی بینم . ملاحظه فرمایید يك نماینده آمده است اعتبارنامه بهش داده اند و وزارت داخله نمایندگی او را تصدیق کرده است انجمن نظار او را معرفی کرده است و آمده است بمجلس چندین روز هم در پارلمان حضور داشته است . منتهی شعبه آمده است و عملیات انجمن نظار و وزارت داخله را صحیح ندانسته و بمجلس رأیت داده است مجلس هم کار شعبه را صحیح ندانسته و رأیت شعبه را رد کرده است پس در این صورت اولاً عقیده شخص بنده این است که مجلس تثبیت کرده است نمایندگی شخص بدر را . زوار - اینطور نیست .

امیر حسین خان - چرا همینطور است . بعد هم خواسته اند که مجلس يك رأی با آقای بدر بدهد و حالا پیشنهاد کرده اند که راجع بنمایندگی ایشان رأی گرفته شود بنا بر این با خروج از دستور بنده مخالفم و عقیده

را ندارد. بنا بر این البته آقایان تصدیق خواهند فرمود که اگر يك نجمی بیاید و بر خلاف این اصل مسلم تصمیماتی بگیرد رأی او موافق موازین قانونیه کان لم یان است و نتایج رأی آنهم بی اثر و بطل است. از همین نقطه نظر بود که شعبه (برای حفظ این اصل و برای اینکه در مملکت اجزیه داده نشود که انجمنها در تحت يك تیرانی بر خلاف يك اصل مسلمی که عبرت از نمایندگی نماینده حائز اکثریت باشد تصمیماتی بگیرند) شعبه در حدود صلاحیتی که داشته است بجزایز انتخاباتی که در صورت رسیدگی کرده و وظیفه خودش را در صورت این اصل مسلم یعنی نمایندگی شخص حائز اکثریت انجام داده است و خبر آن را بمجلس شورای ملی داده است. البته ممکن است استدلالاً بحث شود که آیا شعبه در این موضوع صلاحیت دارد یا خیر؟ هیچ تردیدی نیست که از لوازم عنوان شعبه بکیش عبارت است از مأمور بودن برای رسیدگی بمجموع جریان انتخاباتی و دقت در حفظ سول بنا بر این و قییده شعبه رفت که در حدود قوانین و اصول تفهیمات انجمن نظر دائر به نقض یکی از اصول مسلمه غلط است شعبه البته این صلاحیت را خواهد داشت که تشخیص بدهد مطابق این اصل مسلم تک بنده حائز اکثریت کیست و خبر آن را بمجلس شورای ملی بدهد. همین وظیفه را هم شعبه انجام داد. بعد خبر شعبه که منزله تصدیق نمایندگی نماینده حائز اکثریت بود در مجلس شورای ملی رد شد. این رد خبر موافق دلائلی که عرض میکنم مستلزم این است که تصدیق کنیم انتخابات رد شده است زیرا که همیشه رد شخص در مجلس نتیجه اعتراض بر صلاحیت شخص است و اگر مباحثه در مجلس در خصوص اعتراض بر صلاحیت شخص منتخب بعمل نیاید و در مجلس رد شود انتخابات را مجلس رد کرده و جریانش را تصدیق نکرده است ولی هرگاه مباحثه در مجلس در خصوص اعتراض بر صلاحیت منتخب بعمل آید و مجلس شورای ملی رأی بدهد اصل

بن است که مجلس تصدیق کرده بعدم صلاحیت این شخص در حین جریان انتخابات و در آن موقع است که فقط ملان است نسبت بشخص بعدی عنوان اخذ رأی بعنوان مذکور مشروع باشد. البته آقایان تصدیق خواهند فرمود که در موضوع مباحثه در خبر شعبه موافقت و مخالفت محدود بیک دوسه نفری بوده است و مذاکره هم در خصوص صلاحیت شخص کاظمی نبوده است بلکه مذاکره در موضوع جریان انتخاباتی بوده است و مجلس شورای ملی در نتیجه قضایای که کرده است آن خبر را رد کرده است و چون خبر شعبه نتیجه رسیدگی بمجموع جریان انتخاباتی بوده است پس اصل این است که مجلس رأی به رد انتخابات و عدم تصدیق آن داده است و این یکی از آن مواردی است که تجدید مذاکره در آن مورد و با پیشنهاد اینکه برای يك شخص خارجی الخذ رأی بعمل آید ممنوع است مطابق سوابق پارلمان و مطابق سوابق متعدده که هست در همین مجلس اعتبار نمایی رد شده و هیچ این قبیل صحبت ها هم نشده است و بالاخره اشخاصی که مدعی وکالت و نمایندگی بودند و در نتیجه قضاوت مجلس انتخاباتشان رد شد دیگر بعد از آن ممکن نشد که نسبت باشخاص دیگری تجدید رأی بعمل آید و بالاخره امر بتجدید انتخاب شد و صحبت هم همینطور بود. البته ممکن است بعضی هائی که مجد و مصر در تثبیت دعوی نمایندگی آقای بدر هستند مدعی شوند که آن رأی را که مجلس داده است از نقطه نظر رد انتخابات نبوده است بلکه از نقطه نظر شخص کاظمی بوده است. البته آقایان میدانند در حین که اشخاص اظهار رأی می کنند یا قیدی که بنده قبلاً کرده در موقع رأی دادن اساساً ممکن نیست برای هیچکس مدعی علم غیبی شد که آن نماینده هائی که مهربه سفید یا سیاه داده اند مطابق میل آقایانی که مایل بنمایندگی آقای بدر بوده اند نظر داشته اند و بالاخره نظرشان هم رد شخص کاظمی بوده است. و ابدأ مجلس نقطه

نظری راجع برد انتخابات نداشته است. يك همچو دعوائی را هیچکس نمی تواند بکند زیرا هر کس که رأی داده است رأی مخفی داده است و دلائل خودش را هم اعلام نکرده است و در این مورد بخصوص رأی مجلس متعقب يك توضیحات صریحی که اکثریت نمایندگان داده باشند و دائر به تأیید دعوی آقایانی که طرفدار این موضوع هستند نبوده است. بنا بر این نمیتوان تشخیص داد که واقعا رأی مجلس مطابق میل آقایان از نقطه نظر رد شخص کاظمی بوده است. مضاف اینکه در مجلس از نقطه نظر صلاحیت شخص کاظمی صحبتی نشده بلکه برعکس صلاحیت ایشان تأیید شده بود بنابراین عریضی که کرده باید انتخابات را رد شده دانست و لزوم تجدید انتخابات را تصدیق کرد و حقیقه خلاف انتظار است که بکعبه آنهم در مواردی که نه شعبه خبری دائر بنفی یا مثبت داده است پیشنهاد کنند که نسبت بیک شخصی و نمایندگی یک کسی رأی گرفته شود که مدعی نمایندگی است. آنهم به این وضعیت. و بنظر بنده خیلی بهتر بود که آقایان نمایندگان محترم با پیشنهاد آقای بسائی موافقت میفرمودند زیرا که بهتر این است این مسائل واقعا در نتیجه استدلال طرفین در خارج مورد مذاکره واقع شود و یک راه حل که منتهی بیک جریان است خلاف انتظار یعنی جریانی که دلالت داشته باشد اینکه يك عده در نتیجه الغاء شبهه (بکعبه که در حسن عقیده آنها شبهه نیست) برخلاف اصل مسلم راجعه بحکومت ملی (که عبارت است از اینکه وقتی که انتخابات مجلس رد کرد باید تجدید شود) بخواهند اراده و میل خودشان را تحصیل کنند بريك عده که برای يك فردی که شعبه نسبت باو خبری نداده است رأی بدهند نشود. این جریان مخالف اصول است. و بالاخره از آن طرف هم هر فردی مکلف است در مواردی که نقض و تجاوز از حدود قانونی را مشاهده میکند امتناع بکند از شرکت در آن امر علیهذا بنده و رفقای بنده تصمیم گرفته ایم که در این قبیل تصمیمات و

مذاکرات شرکت نکنیم (بعضی از نمایندگان - صحیح است) و در خاتمه هم استدعا میکنم از آقایان که در این خصوص راه حلی که بر خلاف اصول نباشد و بحیثیت پارلمان صده و وارد نیارود و يك سابقه بدی ایجاد نشود موافقت کنند پیدا شود و البته فشارهائی بجاها که جز استناد با اصول چیز دیگری نداریم زیاده تر از این وارد شدنش هم صحیح نیست و بنده عقیده ام این است که آقایان در رفاقت پارلمانی يك قدری خونسرد باشند ولی متأسفانه اینطور نیست و البته ما هم حق خواهیم داشت که بعد از توضیح این مطالب که نتیجه توضیح آن قضاوت تاریخ و جامعه در اصل موضوع است از شرکت در رأی و مذاکره در این قبیل مسائل که قطعاً مخالف با اصول است خودداری کنیم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب.

آقا سید یعقوب - بنده خیلی متأثر هستم که یکی از رفقا بمن گفت که تاریخ هم ظلم است. تاریخ هم حفظ نمی کند. حالا بنده این جا ناچاره که فرمایشات آقای شریعت زاده را که حقیقه (بنده جسارت نمیکنم خدمتشان) هر چه بیان فرمودند بنده نفهمیدم: اصول مثبت ادله استناد اصل و از این چیزها که بنده هیچ نفهمیدم. اینها تمام کلمات خیلی برجسته هستند لکن هدایت زکیبیه اینها را بنده نفهمیدم. ممکن است که همین صورت مشروح مجلس را در خارج بنده يك وقتی خدمتشان ارائه بدهم و در حضورشان باشم به بینم از این بیاناتی که فرمودند چه نتیجه گرفته شد؟ و مقصود چه بود: من نه چیزی نفهمیدم و الله چیزی نفهمیدم (خنده نمایندگان) حالا بنده يك کلیاتی را در نظر میگیرم و خدمتشان عرض میکنم. میگویند که هر کس اکثریت پیدا کرد او نماینده است. آیا شما که مدتها در قضاوت کار کرده اید و در قوه قضائیه کار کرده اید من عقیده داشتم که فصل بین حقوق باشید میتوانید این حکم را بطور کلیت بگوئید که هر کس اکثریت

پیدا کرد بهر شکلی او نماینده است؟ پس چرا انجمن نظارت را که تشکیل میدهند شرایط برایش قائل میشوند و وقت معین می کنند که چند وقت و ناکی اینها برای چیست؟ آیا اینها اعتبار ندارد؟ آن روز هم خدمتستان عرض کردم که اگر حالا اهلی تنکان بیابند و بگویند که سعد الله خان پسر سلیمان خان وکیل است. الان که مدتها از انتخابات بار فروش گذشته است باز ما میتوانیم بگوئیم که او چون اکثریت دارد وکیل است؟ خیر. آقا. وکیل اکثریت دارد ولی در تحت شرط و در تحت مواد ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ ماده قانون انتخابات را برای چه نوشته اند؟ برای این نوشته اند که ما نتوانیم بگوئیم بطور مطلق کسی که اکثریت پیدا کرد او وکیل است.

بنده عرض کردم که تاریخ هم ظالم است و من عقیده دارم که اگر شما بحقیقت حکومت پیدا کنید نتوانید بگوئید که هر کس اکثریت پیدا کرد بهر شکلی بهر توی سری، بهر عنوانی، بهر دست شکستگی، او نماینده است ما که نمیتوانیم بگوئیم. کدام مجلس شورای ملی. کدام قانون می تواند بگوید که هر کس اکثریت یافت بهر عنوان و بهر ترتیبی که باشد نماینده است؟ این را بنده که نمی توانم تصدیق کنم. اما فرمودید که قضاوت شعبه. بنده از خودتان تصدیق می خواهم. شعبه باید وارد شود در يك كسي که طرف او است ولی این جا که شعبه اینکار را نکرده است. آقای بدر را انجمن نظارت، سیرجان اطلاع داده است بوزارت داخله که مطابق این قانونی که بدست من داده اید. ای وزیر داخله این آدم وکیل شده است. وزارت داخله هم به مجلس نوشته است که میرزا احمدخان بدر وکیل است آن وقت شعبه گفته است سید کاظم خان وکیل است (خنده نمایندگان)

بعضی - کاظمی

آقایید یعقوب - آقای رئیس: هیچ سید کاظم خان

اعتبار داده بودند؟ و آیا او را وزارت داخله بمجلس معرفی کرده بود؟... (خنده نمایندگان) این مثل این است. که بگویند در سیرجان میرزا احمدخان بدر رأی دارد و اعتبار نامه دارد ولی میرزا محمدخان در سیستان وکیل است!!... آخر آقا به نشینید به بنید تحقیق کنید آنوقت بنده میفرمایند که فلانکس چه گفته کجا چه کرده یکی از ادله شما این است که مفتش چه کرده و راپورت داده آقا: مفتش هیچ طرف مساس با انتخابات نیست. حالا بنده میگویم خودتان هم باید تصدیق کنید که مفتش هیچ مساسی با قانون انتخابات ندارد. حالا تصدیق نکنید برای آتیه تصدیق می کنید که اینطور نیست که بنده عرض میکنم. نه قانون انتخابات او را معین کرده است نه سایر قوانینی که از مجلس گذشته است. حکومت این قضیه هم با مجلس شورای ملی است. با قانون است يك مفتشی، (حالا خیلی هم آدم خوب وامی است) معین کرده اند رفته است و گفته است که آن کس وکیل است و فلان کس بی ربط است...

بنده بینم وزارت داخله را زیر پا بگذارم. انجمن نظارت را زیر پا بگذارم. ایالت کرمان را که مأمور وزارت داخله است و حقوق میگردد زیر پا بگذارم. اعتبار نامه را زیر پا بگذارم. قانون را زیر پا بگذارم. تمام اینها را زیر پا بگذارم! برای اینکه مفتش رفته است و چه گفته است!!... آقا کجا بید؟... این قانون انتخابات است. آخر در چه جای این قانون این را نوشته است؟ چرا يك حکومت و يك قضاوتی را می کنید که در آتیه در دوره های هفتم و هشتم يك اخلاف صالحی مثل بنده بیابند این جا و بگویند اینها چطور قضاوت کرده اند! يك کسیکه هیچ سابقه و ربطی نسبت بقانون نداشته بصرف اظهار مفتش آن نماینده اصلیا کنار گذاشته اند! آرزو هم عرض کردم آقا ما حقایق واقعی را در نظر نمیگیریم ما حقایق قانون را در نظر می گیریم. ما نظرمان بقانون است. قانون باطل است.

از مجلس گذشته است. بنده و جناب عالی و آقای شیروانی که الان اجازه خواستند و می خواهند بنده حمله کنند تمام توی سر من هم بناید آقا در تحت همین قانون انتخابات وکیل شده ایم. انتخاب شده ایم. چطور این قانون در جائی که بحال ما نافع است خوب است ولی آن جایش که ضرر دارد برائمان بد است... می گوید هر کس قانون او را انتخاب کرده است او وکیل است دیگر آیا در قانون اسمی هم از مفتش برده شده است؟ آیا گفته است که نظر مفتش هم مدخلیت دارد؟ مگر از حالا پیشنهاد کنیم که مفتش هر چه گفت همین صحیح است باید مال انجمن نظارت مال حکومت مال وزارت داخله همه اینها يك طرف باشد و راپورت مفتش يك طرف و مال مفتش مقدمه است ولی هنوز که چنین قانونی از مجلس نگذشته است که بعد از تعارض بین راپورت مفتش و راپورت وزارت داخله و راپورت انجمن نظارت و راپورت حکومت آن وقت راپورت مفتش (که هیچ مدخلیت در قانون ندارد) آن صحیح است. و مقدمه است. آقایان بنده عرض می کنم که: شعبه قضاوت کرده است در يك چیزی که طرف دعوی نبوده است آمده است سید مصطفی خان را که یکی از جوانان صحیح این مملکت است یکی از جوانان فعال این مملکت است پسر حضرت سلمان زمان است در نظر گرفته ولی پسر سلمان زمان که طرف رأی ما نیست. طرف دعوی ما بدر است. انتخاب او باطل است با حق است آن را باید تشخیص بدهند و مجلس راپورت بدهند نه اینکه وارد بشوند در يك قسمت دیگری در يك شخصی که ابدا طرف دعوی نبوده و برای او راپورت بدهند. پس قضاوت شعبه را اکثریت مجلس با علم و اطلاع و باینک یدشانی باز و با يك حق و حقیقتی رأی خودش را داد و رد کرد نهایت يك حفظ نرا کتی هم در این باب کردند يك بیان دیگری ایشان فرمودند که شهادت و

شجاعت را از کسانی که رأی داده بودند زائل میساخت آقا در زندگان پارلمانی بنده و جناب عالی و سایر آقایان به هم برادر هستیم و نمیخواهیم چیز بکنیم و الا نامه آن پنجاد و هفت نفری که رأی دادند دانستند که قضاوت شعبه در این جا در غیر محل خودش بوده است و میدانم آقا چطور میگویند ندانسته رأی دادند؟

این است دلیل مخالفین با راپورت شعبه که میگویند آن طرفی که شعبه برای او رأی داده و راپورت داده آن شخص اصلاً طرف دعوی نبوده است نه انجمن و رأی داده است نه باو اعتبار نامه داده است نه بوزارت داخله معرفی شده است نه در هیئت رئیسه سابقه دارد. این پنجاد و هفت نفر این دلیل قانونی رد کردند. اگر چه عرض میکنم در مجلس منطق و دلیل بخرج نیروود و اکثریت و قلیت است. و اگر بنده هزار رهان اقامه کنم بخرج نخواهد رفت. چرا؟ چه عرض کنم بنده میل دارم که بنده و جناب عالی در خارج در يك کمیسیون تحقیقی به نشینیم و مذاکره کنیم در آن جا ادله جناب عالی و ادله مثبت بنده ذکر شود همین آقای شیروانی که لان می خواهند مشیر به که بنده حمله کنند ایشان هم باشند آن جا به نشینند و محاکمه کنند آنوقت معلوم میشود که این عرایض بنده مطابق اصول و قوانین است یا بیانات جناب عالی اما اینکه فرمودید شخص بعدی. آقا: عنوانی که بنده و آقا میرزا علی پیشنهاد کردیم. مجلس عنوان شخص بعدی نبوده است شخص اول که آقای کاظمی نبوده است که بعد آقای بدر را ما پیشنهاد کرده بشیم؟ آخر خدایا این مسئله را کجا باید گفت! آقا اول که اعتبار نامه باسم کاظمی نبوده است (باسم آقای بدر بوده است) که حالا او از این رفته باشد و ماشخص بعدی را پیشنهاد کرده بشیم. خیر. آقا والله اینطور نیست بنام انبیاء و مرسلین قسم که اینطور نیست. راپورت، اعتبار نامه اطلاع وزارت داخله، راپورت انجمن نظارت، تمام

اینها بنام بدر است نه اینکه اول کاظمی بشد و بعد بدر که ما در تائی بدر را پیشنهاد کرده بشم. بنده و آقای میرزا علی نئیگوئیتم بدر را بیاورید جلو. راپورت انجمن میگوید، تلگرافات میگوید، وزارت داخله میگوید، اعتبارنامه میگوید، که بدر نماینده سیرجان است. پس ما کی آمده ایم شخص بعدی را گفتیم؟

یا يك چنین سابقه را گذاشتیم، این ترتیب که نیست آقای: ما که آفتاب را نمیتوانیم با حفظ اصول و حفظ ادله رد کنیم. بنده نمایشات کردم استناد باین پیشنهادی که فرموده بودید و چون فوق العاده به مقام ریاست عقیده دارم که اگر پیشنهادی را در تحت مواد نظام نامه استنباط نکنند مطرح نمی کنند دراصل پیشنهاد عرض نمیکنم. پیشنهاد خروج از دستور يك پیشنهادی است ولی بنده مفهوم این پیشنهاد را نفهمیده. یعنی اهالی سیرجان نمایندند نمیخواهند؟! از حق انتخاب محرومند چطور است بنده که اهل فارس هستم اهالی فارس حق انتخاب دارند؟ مازندران وکیل میخواهد و محروه نیست ولی سیرجان محروه است؟ چرا؟! برای چه؟! بنده که نفهمیدم این پیشنهاد شما مطابق کدام اصول است. اما اینکه فرمودید باید تجدید انتخاب شود بنده که هرچه فکر میکنم می بینم تجدید انتخابات در این جا هیچ مناسبت ندارد که ما عنوان تجدید انتخابات کنیم، حالا تاریخ هم ظلم کند، تاریخ هم بنویسد، بنده عرض کردم راپورت انجمن مرکزی سیرجان به وزارت داخله و ایالت کرمان هم تصدیق انتخابات آقای بدر را کرده است و وزارت داخله هم بد مجلس شورای ملی این جریان قانونی را راپورت میدهد که انتخابات سیرجان تمام شده و بدر نماینده آنجا است. بعد شعبه آمد يك کسی دیگر را وکیل دانست. این عمل شعبه هیچ ربط دارد که انتخابات سیرجان را باطل کرده باشد؟ فرمودند در این جا صحبت از صلاحیت نشد بلکه نه بنده نه حضرت عالی صحبت صلاحیت منتخب را نداریم. یعنی وین الله

آقای کاظمی جوان صالحی است ولی آقای نصیرالدوله را هم نمی شود شخص غیرکافی دانست ماصحبت از صلاحیت اشخاص نکردیم و صحبت در جریان انتخابات هم نبود، ما جرین انتخابات را باطل نکردیم ما گفتیم راپورت شعبه غیر وارد است و راپورت شعبه يك راپورتی است که مجلس باید محل اعتماد قرار ندهد، هیچ صحبت شد که انتخابات باطل است؟ یا اینکه انتخابات در تحت تهزید بوده است؟ هیچ علق بطلان انتخابات در پشت این ترتیبون گفته شد؟ کسی این صحبت را کرد؟ شما به فرمایش خودتان يك شخص اصولی هستید و همیشه با مدارك میخواهید صحبت کنید. هیچ بنده یا حضرتعالی اینجا عنوان کردیم که انتخابات سیرجان باطل بوده است یا نه دید و تطمیع بوده است؟ هیچ گفتیم اعضای انجمن صالح نیستند؟ تبعه ایران نیستند؟ محکوم به جنحه یا جنایت بودند؟ تمامه شرایطی را که باید انجمن نظار داشته باشد تصدیق میکنیم و مجلس عملیات انجمن را تصدیق میکند ولی سر نتیجه که رسیدیم میگوئیم نشد. پس مجلس رأی نداد که انتخابات سیرجان باطل است مجلس رأی به بطلان راپرت شعبه داد انتخابات به حال خود باقی است و مجلس هم جریان قضاوت خود شرا می کند بنده بیش از این عرضی ندارم اگر حقیقت هم باید کشف شود شده است.

شیروانی - بنده يك عرضی دارم میخواهم از شعبه دفاع کنم.

رئیس - عجاله باید در این باب رأی بگیریم. رأی می گیریم به پیشنهاد آقای شریعت زاده آقایان موافقین قیام فرمایند.

(معدودی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای زوزر (بشرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد می کنم که دوسیه انتخابات سیرجان

بکمیسئون تحقیقی که در هر شعبه بکنفر انتخاب شود ارجاع شود.

رئیس - پیشنهاد دیگر از طرف آقای دشتی (مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم دوسیه انتخابات سیرجان بدو بیکی از شعبات شش گانه رفته تحت شور و بحث درآید و راپورت شعبه مزبور در جلسه علنی مطرح شود

رئیس - آقای دشتی

دشتی - يك عده طرفدار آقای نصیرالدوله هستند و يك عده هم طرفدار آقای کاظمی ولی يك عده زیادی عقیده شان معلوم نیست عرض میکنم حالا اعم از اینکه انتخابات سیرجان صحیح بوده است یا غلط بوده است رد کردن راپورت شعبه صحیح بوده است یا غلط بالاخره مجلس يك فورمولهائی دارد باید شعبه رأی بدهد بعد مجلس صحیح خواهد رأی مثبت میدهد یا منفي. آقای آقا سید یعقوب میفرمایند مجلس راپورت شعبه را رد کرده است. این تکلیف انتخابات سیرجان را معلوم نمیکند. حقیقه انتخابات سیرجان در شعبه نه تصویب شده است و نه رد شده است پس بهتر این است که برای اینکه این قضایا عملی شود و از راه اصول پارلمانی هم خارج نشده باشد این دوسیه بیکی از شعبات برود و بعد راپورت آن شعبه در مجلس مطرح شود والا الان نمیشود رأی گرفت با وجود اینکه يك اشخاصی هستند که میل دارند به نصیرالدوله رأی بدهند ولی نمیدانند که به چه باید رأی داد با انتخابات که نمیشود رأی داد به راپرت شعبه باید رأی داده شود و حالا هم که راپرت شعبه نیست. بهتر این است که این دوسیه بيك شعبه ارجاع شود و راپرت شعبه مطرح شود و رأی بگیرند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - يك فرمایشانی آقای دشتی فرمودند با اینکه ایشان همیشه با تراکت صحبت میکردند در مجلس

صحبت طرفداری شخصی نیست نه نظر خاصی مجلس آقای نصیرالدوله دارد و نه آقای کاظمی....

شیروانی - من طرفدار کاظمی هستم.

آقا سید یعقوب - شما طرفدار آقای کاظمی هستید من طرفدار قانونم. صحبت در اینجا از قضاوت بود چنانچه مکرر گفته شد در قضاوت اختلاف نظر پیدا شد. اینکه فرمودند شعبه قضاوت کرده است بنده ناچارم مکرر عرض کنم که شعبه قضاوت را کرد ولی مجلس قضاوت شعبه را رد کرد. وزارت داخله و انجمن نظار راپورت داد که آقای بدر وکیل است آن راپرت آمد بشعبه. شعبه گفت که کاظمی وکیل است بعد رأی شعبه را مجلس رد کرد این رد کردن رأی شعبه یعنی چه؟ یعنی همان کسی را که وزارت داخله و انجمن نظار وکیل دانستند و بمجلس راپورت داده است وکیل است. بعد آمدیم برای اینکه شکمش رفع شود گفتیم با انتخابات آقای بدر هم رأی بگیریم يك اقلیتی نمیتواند مجلس را از اکثریت بیندازد و الا همان رأی که مجلس داد نظر قضاوت بود و رأی راجع بوکالت بدر بود این نکته را هم عرض می کنم که این قضایا بیشتر از احتیاط کاربهای آقای رئیس واقع شده است. باید تصدیق فرمایند که ما طرفدار شخص نیستیم حالا آقای شیروانی با حرارت فرمودند که من طرفدار شخص هستم بنده نمیدانم ما همه طرفدار قانونیم (در این موقع چند نفر نمایندگان از مجلس خارج شدند)

رئیس - عده برای رأی کافی نیست. باسائی - اجازه میفرمائید بنده هم بيك همچو پیشنهادی کرده ام.

رئیس - راجع به ارجاع به کمیسیون تحقیق بود یا شعبه؟ باسائی - بنده پیشنهاد کرده که به شعبه برود

رئیس - بفرمائید

بنامی - ما نمیخواهیم وارد شویم در اصل نمایندگی آقای بدر یا شخص ایشان ، ما میخواهیم يك اصلی را در مجلس حفظ کنیم و آن این است که وقتی که در مجلس رأی گرفته میشود به رایوریت شعبه رأی گرفته می شود . بنده در جلسه اول که این قضیه مطرح شد و گفتند نمایندگی آقای بدر مطرح شود این پیشنهاد را تقدیم کرده که دوسیمه انتخابات بر گردد به یکی از شعب در آنجا رسیدگی کنند و رایوریت مجددی بدهند مثل سایر رایوریت ها مخالف و موافق حرف بزند و رأی بگیرند و اینطور که بدون رایوریت يك شعبه رأی به نمایندگی يك نفری گرفته شود سابقه ندارد . ماده پنجم نظامنامه هم اینطور میگوید که باید در موقع انتخابات بدرایوریت شعبه ها رأی گرفته شود و هیچ اجازه داده نمیشود که به پیشنهاد يك نفر وکیل در باره نمایندگی يك نفر وکیل دیگر رأی گرفته شود ، دوسیمه نظامنامه خیال میکنم صریح است که باید بدرایوریت شعبه رأی گرفته شود خواه آن رایوریت دایر به صحت نمایندگی يك نفر باشد خواه دائر به عدم صحت و ما تاملان است موافقت کنیم بان پیشنهادی که آقای دشتی فرمودند و قضیه ارجاع شود به هر شعبه که مطابق ترتیب معموله باید ارجاع گردد بعد از ایزت شعبه که آمد مطابق نظامات معمولی تکلیفش معلوم میشود ما از این پیشنهاد غرض خاصی نداریم يك پیشنهادی است از نقطه نظر حفظ اصول و کاملاً بی طرفانه دیگر بسته به میل آقایان است .

رئیس - آقای زوار هم توضیحات خود را بدهند .

زوار - امروز سومین روزی است که میخواهند متفقاً اوقات کراپهای مجلس را که باید صرف اصلاحات مملکت و بدبختی های گوناگون بشود تخصیص بدهند به يك چیز عادی که با اصلاحات مملکتی هیچ ارتباطی ندارد . غرض از اینکه تنها برای خودمان این وضعیت حقیقه باعث دقت و مطالعه است در خارج هم فکر

متوجه به ما است که مجلس که بایستی اوقات روزانه اش صرف مباحث مهم بشود در يك موضوعی صرف میشود که نه با قانون نه با سابقه نه با نظامنامه ارتباطی دارد ادوار مختلفه مجلس نشان میدهد که وکیل که رد شد دوسیمه بجای او نیامده است این قضیه ثابت است و در مجلس اول ، دوم ، سوم ، چهارم ، پنجم ، و بالاخره در مجلس ششم سابقه دارد . بنده نمیفهمم سیرجان چه امتیازی با سایر ایالات و ولایات ایران دارد با اینکه آقای بدر چه امتیازی با آقای امیرهمایون در مجلس ششم دارند اگر بایستی که حقیقه دوسیمه بجای او بیاید در موقع امیر همایون هم بایستی این نظر اعمال شود . اینکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند مگر سیرجان وکیل میخواهد چرا ما معتقدیم که سیرجان نماینده میخواهد اما يك نماینده که روح سیرجانی با علاقه داشته باشد یعنی يك وکیل محلی باشد تصور می کنم که گذشتن این سابقه ها در مجلس حالا که دوره ششم گذشته است در دوره هفتم باعث يك اختلافانی شود که هیچوقت مجلس نتواند اکثریت پیدا کند از آن نقطه نظر بنده عرض کردم خوبست که مطابق سابقه يك رایوریتی در مجلس بیاید موافق و مخالف صحبت کند و الا یکی حالا موافقت کند و یکی مخالفت نتیجه بدست نمی آید . رایوریت آقای کاظمی آمد و شعبه تصدیق کرده بود و مجلس اکثریت داشت آن را رد کرد حالا برای آقای بدر چه مدرکی در دست است که ما روی آن مذاکره کنیم . می خواهم باز به آقایان تذکر بدهم که برای مصالح مملکت باید حفظ نظام نامه حفظ قانون و حفظ شئون مجلس بشود و این قضایا با اصلاحات و سعادت مملکت ارتباط کاملی ندارد ، از این نقطه نظر چون يك مدرک صحیحی در دست نیست بنده پیشنهاد کردم که از هر شعبه يك نفر انتخاب شود و با نظامنامه هم مخالفت ندارد . این دوسیه را تحت مطالعه قرار میدهند و رایوریتشان را هم به مجلس

میدهند و کسی هم که مخالفت میکند میفهمد رایوریت مخالفت کرده است و آن کسی هم که موافقت میکند میدانند رایوریت موافقت کرده است و الا حضرت آقای آقا سید یعقوب : زربون را شکستن يك مدرک نمی شود . بنده هم می شکم .

رئیس - آقای بامداد

میرزا محمد علیخان (بامداد) - بنده تمسک میکنم به اظهار نماینده محترم که در اول شروع به مذاکرات فرمودند که امروز سومین روزی است که این موضوع مجلس را مشغول کرده است . و البته کماتیکه میگویند تمام شود برای این است که جلسه چهارم و پنجم و ششم هم به این موضوع مشغول نشود علی الاصول کسی که مطابق این قانونی که از مجلس گذشته است جریان این قانون را طی کرد او وکیل است ، وکیل است یعنی چه ؟ یعنی آثار وکالت به او مترتب میشود . نظامنامه میگوید طرح فقط نمیتواند تقدیم کند ، در مجلس می نشیند شرکت در رأی میکند . مذاکره میتواند بکند ، فقط تقدیم طرح نمیتواند بکند . پس روی این اصول که قانون انتخابات میبویسد باید به بنیم که شخص آقای بدر مشمول این اصول هست ، این مراتب را طی کرده است ؟ بله ، ایالت به حال که محل سیرجان امر داده است انجمن نظار را انتخاب کند انجمن نظار را انتخاب کرده است ، انجمن نظار هم تعرفه منتشر کرده است ، رأی گرفته است بعد اعتبار نامه باو داده شده است و ایالت او را به وزارت داخله معرفی کرده وزارت داخله هم بتجلس رایزرت داده است ایشان در مجلس هم آمده اند و در رأی هم شرکت کرده اند مثل همه ، مثل تمام نمایندگان . حالا حقیقه وکیل واقعی سیرجان است و سیرجانها از ته قلب باو رأی داده اند آنها مثل سایر آقایان .

شیروانی - مرده وکیل ملت هستند . او وکیل وزارت داخله است

بامداد - در حال مراتب قانونی را طی کرده است اما کار شعبه چیست ؟ ما برای تسهیل کار شعبه رجوع می کنیم . شعبه آمده است رسیدگی کرده و رایوریت بتجلس داده است مجلس رأی شعبه را رد کرد یعنی گفته است که شعبه باید با انتخابات کسی رسیدگی کند که مراتب قانونی را طی کرده است . حالا بعضی این را تصدیق ضمنی نمایندگی آقای بدر میدانند بعضی به قول آقا سید یعقوب میگویند يك رأی هم باید داده شود . اینکه میفرمایند باید رایزرت حتماً از شعبه برسد عرض میکنم مجلس رأی شعبه را نقض کرده است رایزرت شعبه رسیده آن رایزرت نقض شده و مجلس هم مکرر رأی داده است که مطرح شود ، مطرح شود یعنی چه ؟ یعنی من دیگر کار را از شعبه اسقاط میکنم و در اینجا تمام میکنم . بنا بر این تصور میکنم که رجوع به شعبه ، کمیسیون یا انجمن تحقیق هیچ لزومی ندارد .

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهادات آقایان دشتی و بنائی که ارجاع به شعبه باشد ، آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند .
(عده قذبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد . رأی می گیریم به پیشنهاد آقای زوار آقایانی که موافقت قیام فرمایند .

(در این موقع عده از نمایندگان از مجلس خارج شدند)
رئیس - اکثریت نیست چند دقیقه تعطیل می شود (در این وقت جلسه برای تنفس تعطیل و بافاصله سه ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - راجع با انتخابات سیرجان پیشنهاد جدیدی رسیده است که قرائت میشود و اگر مذاکرانی هم لازم شد بعمل می آید بعد رأی می گیریم .

(یشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم دوسیمه انتخابات سیرجان به یکی از شعب ششگانه که بطور استقراع در مجلس معلوم خواهد

شد ارجاع و شعبه مزبور مکلف خواهد بود در ظرف ده روز تحقیقات خود را به مجلس راپورت بدهد والا حکومت قطعی با مجلس است .

رضارفع - دشتی - باستانی - افشار

رئیس - آقای افشار

افشار - بنده گمان میکنم که اگر آقایان باین پیشنهاد موافقت فرمایند و قضیه ارجاع شود به يك شعبه استقرایه در مجلس مسئله حل میشود و آقایان موافقین و مخالفین در روی راپورت شعبه مذاکرات می نمایند . بنظر بنده این اسهل طرق است

رئیس - آقای زوار مخالفید ؟

زوار - خیر بنده موافقم ولی از ادای دارم که نوشته است استقراع در مجلس بعمل خواهد آمد این چه ضروری شود؟ مگر اینکه در خود شعب بشود

رئیس - اگر تصویب شد ترتیبش را بعد عرض میکنم آقای آقا سید یعقوب .

آقا سید یعقوب - بنده موافقم لیکن مقصودم این بود که مقام ریاست امر بفرمایند که استقراع همین الان بعمل آید

رئیس - تا رأی گرفته نشود نمیتوان استقراع نمود آقای افسر .

افسر - بنده ملتفت نمیشوم خوبست یکی از آقایان موافقین توضیح دهید که اینجا نوشته است در ظرف ده روز تکلیف معین شود . اگر آمدم و نشد چه صورتی دارد ؟

رئیس - پیشنهاد مجدداً قرائت میشود مطلب دست می آید .

(بشرح سابق قرائت شد)

رئیس - رأی میگیریم . آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد . برای قرعه کشیدن يك نفر از آقایان باید به قرعه معین شود .

(اقتراع بعمل آمده آقای اعتبار معین شدند)

رئیس - آقای اعتبار تشریف بیاورید

(آقای اعتبار در محل نطق حاضر و از بین اسامی شعب قرعه کشیده شعبه ششم معین شد)

رئیس - برای اینکه معلوم شود مابقی شعب هم نوشته شده است استخراج و قرائت میشود .

(آقای اعتبار اوراق قرعه را فرداً فرد از ظرف قرعه استخراج و اسامی بقیه شعب را قرائت نمودند)

رئیس - پس دوسیه مراجعه میشود بشعبه ششم لایحه تعلیمات عمومی مطرح است . راجع به ماده که قابل توجه شده بود و یکمیدسیون مراجعه شده بود . ماده هفتم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۷ - در مراکز ایالات و ولایات مهمه و هر نقطه دیگری که وزارت معارف صلاح بداند در سنه ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ از محل وجوه صدی نیم دارالمعلمین و دارالمعلمات ابتدائی (برای تهیه معلم و معلمه مدرسه ابتدائی که در این قانون معین شده) تأسیس خواهد نمود

رئیس - مخالفی ندارد ؟

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس - رأی گرفته میشود باین ماده آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده هشتم قرائت میشود (مضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۸ - وزارت معارف مجاز است در نقاطی که

صلاح و مقتضی میدانند در دهات و قصبات کلاس اکابر ابتدائی تأسیس نماید

رئیس - مخالفی ندارد ؟

(گفته شد خیر)

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده کثیری برخاستند)

رئیس - تصویب شد . ماده نه

(اینطور قرائت شد)

ماده ۹ - وزارت معارف مکلف است از وجوه مذکوره در ماده اول مدارس ابتدائی بسیار برای ایالات تأسیس نماید .

رئیس - مخالفی ندارد ؟

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس - رأی میگیریم به این ماده آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . مذاکرات راجع به کلیات است بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد

رئیس - رأی گرفته میشود به مجموع این لایحه با اوراق آقایان موافقین اوراق سفید میدهند

(اخذ و استخراج و آراء بعمل آمد

۸۵ ورقه سفید شماره شد)

رئیس - عده حاضر ۹۴ با ۸۵ رأی تصویب شد .

اسامی موافقین

آقایان : خطیبی - شبروانی - دیوان بیکی - محمد تقیخان اسعد - میرزا هاشم آشتیانی - معتمد التولیه - آوانس خان مساعد - ثقة الاسلام برجرودی - میرزا ابراهیم آشتیانی سیدعلی اکبر آیه الله زاده - فوهنی طباطبائی دیبا - شریعت زاده دولتشاهی - اسفندیاری - مرضی قلیخان بیات - شیخ

الاسلام ملازری - فهمیمی - دشتی - کی استوان - دکتر سنک میرزا حسن آیت الله زاده - امام جمعه هر - میرزا سیدعلی - دادگر - جلالی - خواجوی - غلامحسین میرزا مسعود - اعتبار

ملک مدنی - حاج علی اکبر امین - میرزا عبد الباقی - سید حسین آقاییان - باستانی - امیر اسد الله خن عمری - میرزا عبد الله خان وثوق - عطاه الله خان روحی - نگهبان - زوار - مفتی - ارباب

کیخسرو - یحیی خان زنگنه - اعظمی - ساکینیان - معظمی - عدل - عصر انقلاب - حاج آقا حسین زنجانی - دکتر مصدق - جهانشاهی - اسکندر خان مقدم - ابراهیمی

دکتر رفیع خان امین - بامداد - حمیدری - ثابت - تقی زاده - ملک آرائی - ثقة الاسلامی - حق نویس - میر ممتاز - محدودی میرزا - لبقوانی - ذوالقدر - جوانشیر - سید جواد

محقق - سید کاظم زردی - عراقی - سلطان محمد خان عمری ظاهری - وزیر - نظامی - زعیم - کلالی - مهدوی

آقا علی زارع - مکندری - دکتر لقمان - افسر - حاج میرزا حبیب الله امین - بنی سلیمان - نجومی - محمود رضا - افخمی - امیر حسین خان

رئیس - خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به بانک از ماده بازده مطرح است پیشنهادی رسیده است که قرائت می شود

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون نمره ۵۶ راجع به اضافات وزارت پست و تلگراف جزء دستور امروز شود اعتبار . باستانی

جمعی از نمایندگان - لایحه بانک مقدم است .

رئیس - آقای اعتبار

میرزا سید احمد خان (اعتبار) بنده موافقت میکنم بعد از لایحه بانک جزء دستور شود

رئیس - ماده ۱۱ قرائت می شود .

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱۱ نظامنامه تشکیلات بانک ملی و نظامنامه های مذکوره در مواد ۵ و ۹ را وزارت مالیه با موافقت

رئیس بانک تهیه نموده و پس از تصویب هیئت وزراء و کمیسیون قوانین مالیه بموقع اجرا میگذارد .

رئیس - مخالفی ندارد ؟

(گفته شد خیر)

رئیس - رأی میگیریم به ماده یازدهم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده دوازده

(بمضمون آتی قرائت شد)

ماده ۱۲ هر موقعی که عملیات بانک توسعه پیدا کرد و وسایل مطمئنه برای بکار انداختن و استفاده از وجوه ودایع دولتی فراهم شد دولت مکلف است وجوه ودایع خود را به بانک ملی انتقال دهد هم چنین در هر نقطه شعبه بانک دائر شد عوائد دولتی کلیه به آنجا تحویل شده نقل و انتقال وجوه متعلقه به دولت بوسیله بانک مزبور انجام میگیرد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده اصل مخالفم در این ماده این است که قانونی که در مجلس تصویب می شود و بعد بوزیر داده شود وزیر مسؤل مجلس است و مجلس وزیر را تحت مسؤلیت حاضر میکند يك ماده که که ابهام و کشش دارد نباید نوشت که باعث طفره وزیر باشد . اینجا مینویسد : هر موقعی که بانک توسعه پیدا کرد وجوه را انتقال میدهند بانجا . بنده مثلاً معتقدم که بعد از تأسیس بانک در عرض یکماه دو ماه بجزریان بیفتد و دولت وجوه را بانجا انتقال دهد ولی وزیر مسؤل این اقدام را نکرد در صورتیکه ما معتقدیم مثلاً که پس از دو ماه عوائد دولت در بانک تمرکز پیدا کند و وزیر مسؤل اینرا عملی نکرد و این ماده هم بهانه وزیر می شود که شما نوشتید هر موقع و آن موقع نرسیده است . پس باید ماده را طوری نوشت که

صریح باشد . حالا اگر مخبر توضیحی بدهند که رفع آن نظر بنده بشود نمیدانم ولی بعقیده بنده اینجا يك راه عذری برای وزیر تهیه شده است که وزیر شاید بيك نظریاتی آنرا به تأخیر بیندازد و حال آنکه ممکن است برخلاف نظریه مجلس باشد پس مقتضی است که در اینجا ظرف مدت معین شود و باید معلوم شود که این دائره وسیعی اختیار او چه موقع سلب می شود

فهیمی (مخبر کمیسیون) - در ماده که سابق رأی داده شد ششماه معین کرده اند برای ظرف مدت که این قانون بموقع اجرا گذارده شود و البته شروع به اجرای این قانون ابتدا باید از مرکز بشود و در مرکز دائره مرکزی بانک باید تأسیس شود بعد بموجب قانون متدرجاً شعب آن در ولایات تأسیس گردد . البته تصدیق میفرمائید که قبل از اینکه بانک در مرکز و ولایات شعبي داشته باشد و بتواند معاملات تجارتي بکند گذاردن يك مبلغ معتناهی در آنجای مصرف است و فایده ندارد و بعلاوه بانک باید وسائل تحکیم و حفظ آن پول را تهیه کند بنا بر این این نظریه را باید داشت و مدت نمیتوان معلوم کرد . ولی آن اظهاری که فرمودند که مجلس باید مواظب باشد که دولت در اجرای تکالیفش کوتاهی و قصور نداشته باشد بنده هم موافقم و اگر دولت يك قصوری کرد مانعی ندارد که وزیر را مورد سؤال و استیضاح قرار دهند ولی تعیین مدت را هر قدر بخواهیم بکنیم (که مثلاً در فلان موقع) به عقیده بنده عملی نیست و مورد ندارد .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - رأی گرفته میشود به این ماده آقایان که تصویب میکنند قیام فرمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده ۱۳ قرائت میشود

(بمضمون آتی خوانده شد)

و حال آنکه باید سرمایه بر گردد و باید نوشته شود سرمایه اصلی مذکوره در ماده دوی بانک یعنی این پنج میلیون سرمایه افزوده میشود نه به بانک

مخبر - عبارت ماده دو را اگر ملاحظه و دقت بفرمائید نوشته شده است : سرمایه اصلی بانک پانزده میلیون تومان است اینجا هم عین همین عبارت باید تکرار شود . یعنی سرمایه مذکوره در ماده دو و آن عبارتی که فرمودید يك ادبیاتی است که بنده نمی فهمم .

رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایانیکه قبل توجه میدانند قیام فرمایند

(کسی قیام نکرد)

رئیس - قبل توجه نشد . رأی میگیریم ماده ۱۳ که ماده ۱۴ میشود آقایان موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده الحاقیه پیشنهادی آقای مساعد

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که ماده الحاقیه ذیل در لایحه بانک افزوده شود :

دولت مکلف است که فوراً بعد از استخدام متخصص امریکائی لایحه را برای تبدیل اساس پول ایران به طلا تحت مطالعه قرار داده و در ظرف یکسال بمجلس پیشنهاد نماید

رئیس - آقای مساعد

آوانس خان مساعد - بواسطه گذشتن لایحه راه آهن و لایحه بانک مملکت ایران داخل میشود بيك عالم اقتصادی و يك اهمیتی کدنا کنون هیچ دارا نبوده است و البته در داخل شدن در همچو موردی بعضی احتیاطها لازم است بنده تا بحال در همه مواد این بانک همراهی کردم و موافقت کردم ولی بيك نظریاتی در بعضی مواد دارم که در موقع بحث در کلیات عرایض خود را عرض میکنم بوزیر آقای عدل يك تکلیفی کردند که

ماده ۱۳ پنج میلیون تومان سرمایه ابتدائی که برطبق مدلول ماده ۳ به بانک پرداخته میشود به سرمایه اصلی بانک مذکوره در ماده ۲ افزوده شده و سرمایه بانک کلیه بیست میلیون تومان خواهد بود .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده خواستم يك سئوالی بکنم که این پنج میلیون که بنا است سرمایه اصلی بانک باشد موجود است یا موجود می شود . چون سابق بر این حرف بود که موجود است ، خواستم بدانم که حالا هم بهمان طریق موجودیت خودش باقی است یا در ضمن پیشنهادات اضافی از بین رفته است . اینرا میخواستم ملتفت بشوم .

مخبر - به ماده سوم که سابق رأی داده شده است مراجعه بفرمائید مطلب واضح است پنج میلیون تومان موقتاً از وجوه موجوده ودایع و غیره بعنوان سرمایه ابتدائی ببنک میدهند و بعد هم متدرجاً از اضافه عایدات سنوات ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ که سالی بنصده هزار تومان میشود در بودجه منظور میکنند که برای سرمایه اصلی بانک تخصیص بدهند و محل وجوه ودایع را مستهلک کنند

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای عدل

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم عبارت (سرمایه اصلی بانک مذکوره در ماده دو) تبدیل شود بعبارت (سرمایه اصلی مذکوره در ماده دو بانک)

رئیس - بفرمائید

عدل - اینجا لفظ مذکوره که نوشته شده است : (سرمایه اصلی بانک مذکوره در ماده دو) این لفظ (مذکوره) بر میگردد بیانك مثل این است که بانک در ماده دو گفته شده است و حال آنکه مقصود سرمایه اصلی مذکوره در ماده دو بانک است لفظ (مذکوره) اینجا بر میگردد به بانک

این بانک يك شعبه داشته باشد مخصوص به فلاح و بنده این مسئله را بقدری بدیهی میدانستم که حتی تعجب کردم چرا چنین تکلیفی را میکنند ولی مخبر کمیسیون اظهار کرد که اگر بخواید اینطور کنید باید يك بانگي مخصوص به فلاح درست کنید و این بانک کارش صرافي است و بنده هیچوقت مترقب نبودم که يك همچو اظهاری بشود فعلاً در این مبحث مذاکره نمیکم ولی بنده عرض میکنم در صورتیکه يك بانگي در ایران احداث کنیم و اجازه بدهیم که بیست میلیون تومان هم معامله کند و داخل در عملیات صرافي بشود این يك کار خیلی خطرناکی است باین معنی که پول ما امروزه نقره است و نقره هم پول نیست و متاع است و تمام ممالك اروپا اساس پولشان را طلا قرار داده اند ما پولمان هنوز نقره است تصور بفرمائید که يك بانگي که در طهران احداث میشود و در بعضی مطالب باید رقابت و برتری تمام بانگهای بزرگ دنیا بکند و بیست میلیون پول هم در دست داشته باشد با اعتقاد بنده در سال اول و دوم و سوم ممکن است تمام سرمایه ما از بین برود. تصور نشود که از نقطه نظر بدیهی این را عرض میکنم اولاً در این بانک مقاصدی ترتیب داده شده است که خیلی وسیع است در دنیا کمتر بانگي است که هم تشویق تجارت و هم تشویق فلاح و هم تشویق صناعت بکند و هم صرافي بکند که خیلی کار مشکلی است. در آنجاهاست که بنده دیده ام از برای هر چیزی يك بانک برقرار می کنند حالا در این باب هم بنده اظهاری ندارم ولی عرض می کنم تا وقتی که پول ما نقره است داخل شدن ما در کار صرافي يك کار خطرناکی است بر آقایان نمایندگان پوشیده نیست که از پنجاه سال قبل تا حال پول ما يك تغییرات عجیب و غریبی کرده است پنجاه سال پیش از این که بنده در فرنگستان تحصیل می کردم يك فرانک آنوقت مساوی بود با بیست و دو شاهی کم کم بالا رفت رفت رفت تا ابتدای جنگ در طهران

يك لیره انگلیسی شصت و چهار قران بود و بعد از دو سال در موقع جنگ بقدری پائین آمد که رسید به هجده قران يك پولی که آنقدر زرق و نزل داشته باشد بر روی همچو پولی تأسیس يك بانگي که سرمایه اش بیست میلیون باشد با اعتقاد بنده خطاء است برای اینکه ممکن است ضرر این معاملات برای ما پیش بیاید بنده تکلیف کرده که اولاً بمجرد ورود متخصص امریکائی این مسئله را در مقابل او بگذارند که قبل از همه چیز لایحه اش را حاضر کنند. در جلسات سابق وقتی صحبت در باب متخصص بود بعضی ها عقیده داشتند که ممکن است از ملل دیگر آورد بنده در این مورد بخصوص خوشوقتم که متخصص از آمریکا آوردند جهتش هم این است که آمریکا دو پول دارد نقره و طلا و دولت مکلف است که تا يك اندازه تعادل آن را نگاهدارد بطوریکه متخصصین بانک که در امریکا هستند این مطالب را خوب میدانند و اگر بانگي ما احداث کنیم که با بانگهای امریکا و بانگهای انگلیس و بانگهای بزرگ فرانسه داخل بعضی مذاکرات بشود و بعضی قراردادها بکند ممکن است جلوی این ضررها را بگیرد و اگر بدون این ترتیب داخل این عملیات بشود خیلی مشکل میدانم که ما از این مسئله صرفه ببریم بالاخره در باب متخصص عقیده بنده همین است که عرض کردم و در موقع کلیات سایر عرایض خود را میکنم.

مخبر - بنده اگر چه بعد از ملاحظه پیشنهاد آقای اوانس خان اساساً با پیشنهاد ایشان موافقم ولی يك مطالبی فرمودند که بنده ناچارم جواب عرض کنم. یکی اینکه بنده در جواب پیشنهاد آقای عدل عرض کردم که این بانگ بانک فلاحی نیست و بانک فلاحی علیحده تشکیل میشود و همینطور اشاره هم به سایر کارهای عام المنفعه فرمودند این را باید عرض کنم که خود این بانک مستقیماً داخل این کارهای عام المنفعه یا تجارت یا زراعت نمیشود لیکن بموجب لایحه دیگری که دولت پیشنهاد کرده است این

بانک اجازه خواهد داشت که با مؤسسات عام المنفعه یا تجارت یا صناعت بوسیله کمک کردن پولی و نقدی و قرض دادن کمک کند بدون اینکه خود او مستقیماً این کار را بکند ولی بانگهای فلاحی را خود حضرتعالی میدانید در هر جائی که تشکیل میشود خود آن بانک مستقیماً در عمل فلاحی دخالت میکند و این بانگها بانک مملکتی هم نیست و غالباً محلی است برای عمل فلاح و بالاخره در محلی که تشکیل میشوند با يك منافع کمی به فلاح و زارع میتوانند پول بدهند و ترتیبی بکنند که عمل فلاح و زارع روز بروز زرقی بدهند و البته تصدیق میفرمایند که این بانک آن عمل را نمیتواند بکند همینطور برای امور تجاری و صناعتی در پیشنهادی که در کمیسیون فوائد عامه تهیه شده است در آنجا معلوم و معین شده است که این بانک چه قبیل کارها را میتواند بکند و با چه اشخاصی میتواند کمک بکند. این يك راه کمک نقدی است زیرا میدانید از قدیم الایام در این مملکت عقائد اشخاص این بوده است که همه کارها را دولت باید بکند هر کس خیابانش را باید بسازد یا دیوارش را بسازد یا چراغ درب خانه اش بگذارد میگویند دولت باید بکند در صورتیکه امور خیلی عمده را باید اشخاص بکنند برای اینکه افکار را متوجه با امور زندگانی بکنند دولت این پیشنهاد را کرده است که برای اطمینان خاطر عموم يك وعده کمک مادی بدهند تا اشخاص هم بتوانند اقدام بکنند دولت هم بتواند کمک مادی بکند این نظر است. اما مسئله که اینجا پیشنهاد فرمودند خیلی اساسی است برای اینکه نقره در مملکت ما پول ولی برای خارجه مال التجاره است بر خلاف ایران که طلا که برای همه جا پول است برای ما مال التجاره است و همین دلیل است که يك روز نرخ طلا میرود به هجده قران و يك روز میرود به هفت تومان هر وقت نقره در مملکت ما کم میشود نرخ لیره بالا میرود و هر وقت نقره زیاد میشود نرخ لیره پائین میآید در صورتیکه در خارج

هیچوقت تغییر نمیکند و نرخ طلا همه وقت یکی است و این يك مسئله مهمی است که ما بتوانیم اساس پول نقره را به طلا تبدیل کنیم و مقدماتی هم لازم دارد. بنده ابتدا تصور میکردم که خواسته اند این عمل با تأسیس بانک توأم باشد ولی در پیشنهاد که ملاحظه کردم دیدم که خیر این عمل را تکلیف متخصص امریکائی قرار داده اند که متخصص امریکائی که برای بانک می آید یکی از نظریات خودش را مطالعه در این امر قرار بدهد و در ظرف یکسال پیشنهاد خودش را تقدیم بدارد باینکه بر این بنده هیچ عیبی در این نمی بینم و خیلی هم موافق هستم که این ماده هم ضمیمه شود که از حالا که متخصص می آید شروع کند به عمل و این مسئله را تحت نظر بگیرد و مطالعه کند ولی البته این عمل مانع از عملیات بانک نخواهد شد.

بنات - بکمرتبه دیگر قرائت شود

(پیشنهاد مزبور تماماً بشرح سابق خوانده شد)

رئیس - آقای مخبر قبول کردند. رأی گرفته می

شود آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده الحاقیه پیشنهادی

آقای افسر

(شرح ذیل قرائت شد)

این جانب ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم

ماده الحاقیه - شش ماه بعد از تأسیس و تنظیم بانک در مرکز باید شعبات آن در مراکز مهمه ایالات تأسیس شود.

رئیس - آقای افسر

افسر - بنده چون این بانک را اول بانک مملکتی میدانم از این جهت لازم میدانم که شعب خودش را در تمام ایالات و ولایات تأسیس کند و البته می کند ولی محض اینکه وقت معینی داشته باشد بنده پیشنهاد کرده

که شش ماه بعد از تأسیس این بانک در مرکز باید شعبی در ولایات درست کنند تا عموم مردم بتوانند استفاده کنند. زیرا بانک مثل مؤسسات دیگر از قبیل تمیز یا دارالفنون نیست که منحصر بمرکز باشد. این پولی است که عموم مردم میدهند و باید عموماً استفاده کنند باینجهت بنده این پیشنهاد را کردم

مخبر - بنده استدعا میکنم آقای افسر بهمان اندازه که در مواد سابق نوشته شده است قناعت کنند زیرا در ماده اول تذکر میدهد: این بانک مرکز در طهران و شعب آن متدرجاً در ایالات و ولایات دایر خواهد شد در ماده دیگر هم معین میکنند از تاریخ تصویب در ظرف ششماه بموقع اجرا گذارده خواهد شد و البته مطالعات خودشان را در این مدت برای تأسیس شعب بانک در ایالات و ولایات میکنند. حالا ممکن است از ششماه زیاد تر طول بکشد یا کمتر. بالاخره اینها يك مسائلی است که در ضمن عمل بایستی موافقت کرد که درست بشود بعد هم مانعی نخواهد داشت که اگر ما بخواهیم در يك جائی زود تر تأسیس شود از دولت تقاضا کنیم یا پیشنهاد بکنیم ولی این قیدی که فرموده اند بعقیده بنده لزومی ندارد و خوبست مسترد بفرمایند.

رئیس - رأی میکنیم به این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. ماده الحاقیه پیشنهادی آقای کازرونی.

(بشرح ذیل خواند شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم:
ماده الحاقیه - مقصود از عبارت مندرجه در ماده پنج (و یا امضای شخص یا اشخاصی که اعتبارشان نزد بانک مسلم باشد و یا مؤسسات معتبره) این است که در مقابل وجوهی که با اشخاص مذکوره قرض داده

میشود و نائق مادی و اعیان منقوله یا غیر منقوله گرفته شود.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - اصل منظور واقعی بنده این است که در اینجا نوشته شده اشخاصی که اعتبارشان در نزد بانک مسلم باشد به تشخیص بانک باشد. اولاً در دنیا حوادث بسیار است مخصوصاً در ایران که ممکن است يك شخصی را بانک تشخیص بدهد که معتبر است و پول هم باو قرض بدهد لیکن این آدم خلقة در معرض حوادث است مثل اینکه دیدیم فلان صراف اعتبار زیاد داشت بطوریکه اگر کسی پولی بعنوان وثیقه بهش میداد يك چیز بهم دستی میگرفت تا پول مردم را نگاهدارد بکمربند یا عمداً یا اجباراً بر حسب حوادث از میان رفت و پول مردم تفریط شد و از این مقوله بسیار است که اگر امروز بانک تشخیص بدهد که فلانکس متصف بصفات اعتبار است و پول به او بدهد در اندک زمانی يك وسائلی پیش می آید که سرمایه بانک از بین خواهد رفت و گمان نمیکنم در دنیا هیچ همچو عنوانی حکمفرما باشد که در تحت عنوان اینکه فلانکس معتبر است بدون نائق مادی که اطمینان بخش باشد باو پول قرض بدهند این است که بنده این پیشنهاد را کردم. حالا این بمنزله تفسیر است بشد. بمنزله نوجیه است. باشد. مقصود این است که در مقابل این پول يك وثیقه گرفته شده باشد

مخبر - باین دقت نظر آقای کازرونی ماهیچوقت بمقصود نمیرسیم اموال منقول یا غیر منقول. آتش گرفت. سوخت. و از بین رفت، چه باید کرد؟ بالاخره ضایعی را که بانک میتواند قبول کند و اعتباری که میگویند مسلم باشد البته از روی خصوصیت نیست برای این است که بانک بداند این شخص مال التجاره دارد ملک دارد. اعتبار دارد. اینها يك مسائلی است که بانک باید تشخیص بدهد و با شرایط نظامنامه تطبیق شود و با تفسیر نمیشود این را معین کرد و بهمین اندازه

که نوشته شده است عجزاً کافی است و این پیشنهادم لزومی ندارد.

رئیس - مشکل بشود به این پیشنهاد رأی گرفت. یا قسمت دوم ماده پنج تناقض دارد. ماده پنج قبلاً قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۵ - بانک مجاز است ودایع نقدی مدت دارو جاری قبول کند و با استثنای مواردیکه در ماده ۶ منوع گشته پول قرض بدهد مشروط بر اینکه قروض مزبور بوسیله اموال معتبره اعم از منقول یا غیر منقول و یا امضاء و ضمانت شخص یا اشخاصی که اعتبارشان نزد بانک مسلم باشد و یا مؤسسات معتبره تضمین گردد شرایط قبول ودیعه یا رهن و دادن وجه در نظامنامه معین خواهد شد

(پیشنهاد آقای کازرونی نیز ثانیاً قرائت شد)

شیروانی - نمیشود رأی گرفت تناقض دارد

رئیس - يك اصلاح عبارتی هم نسبت بماده پنج آقای مخبر پیشنهاد کرده اند که لفظ (تضمین) تبدیل شود به (تامین) مخالفی ندارد؟ (گفتند خیر)

رئیس - رأی میگیریم به ماده پنجم با تبدیل تضمین در سطر پنجم به تأمین آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد مذاکرات راجع بکلیات است آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده نظرم در مخالفت این است که يك مسائلی را عرض کنم که حقیقهً يك قوانینی که فوق العاده محل احتیاج مملکت است و همه ماها علاقمند بآنها هستیم يك موادی در آن قانون ذکر میشود که آن مواد آن منافعی را که ما ملاحظه می کنیم از بین

می برد. یکی از آن مواد همین ماده پنج است که حقیقهً یگوقتی از عاقبتش مستحضر خواهند شد که کم کم این بانک بعینه بانگ استقراری روسها خواهد شد و بعد از دو سه سال می بینید که با هزار زحمت که ما این بانک را تأسیس کردیم این منافعی را که ما از او در نظر داریم از بین میرود برای اینکه باب شفاعت و ملاحظه در مملکت ما باز است برای تمام طبقات. شاهزاده - عالم - ملا - آخوند يك وسائلی بر می انگیزند و وجوهی از این بانک خواهند گرفت و بالاخره بنده عرض میکنم که حقیقهً آن امیدوارهایی که ما داریم که این بانک عملی واقع شود بعکس ما را بيك روزی می اندازد که چه عرض کنم و امیدوارم که اینطور واقع نشود و آن سرمایه محفوظ بماند ولی بعقیده بنده این ماده آن سرمایه را از بین میبرد در ماده هشت هم که آقای مخبر جدت داشتند که حتماً لفظ بیلاب را نگاه بداریم و بجوانی که ایشان دادند مجلس توجیهی نکرد. بعلاوه ما ماده گذرانیم که وزارتتالیه مکلف است که این بانک را تأسیس بکند و مأمور اجرای آن است آنوقت میگوئیم که یک نفر مفتش از طرف وزارتتالیه برود در آنجا. نظیر هم میگویند. ما نه اینکه در بانک شاهنشاهی کمیسر داریم. بنده عرض میکنم این بانک یکی از مؤسسات و یکی از ادارات مربوطه بوزارتتالیه است و بالاخره این بانک مال ما است. مال خارجه نیست که ما برایش کمیسر معین کنیم که از طرف وزارتتالیه برود آنجا. خیر وزارتتالیه دارای يك مؤسسات و اداراتی است که مطابق نظامنامه ترتیبات آنرا معین میکند هیئت مدیره اش را معین میکند هیئت تحریریه و نفتیشیه را معین میکنند حالا ما بیائیم و در قانون بنویسیم که وزارتتالیه مجبور است که يك مفتش عالی مقامی را در آن جا بگمارد؟ آخر ملاحظه فرمائید. بانک مال ما است. وزیرتالیه هم که مأمور اجرای قانون آن است. متخصص هم که می آوریم. آن وقت باز در قانون می نویسیم که باید يك

نفر مفتش بعنوان سرکمیسر در آنجا باشد؛ فقط جنوب است که میرزا عیسی خان برایش معین کنیم؟! این هم یکی از مواد است که بنده مخالفم. یکی دیگر راجع بماده دوازده است که آقای مخبر جواب بنده را بیک طوری بیان کردند که بنده قانع نشدم. بنده پیشنهاد کردم که در ماده دوازده مدت معین شود. ما باید يك قوانینی بدست دولت بدهیم که صریح واضح باشد که چنانچه مجلس شورای ملی سؤالی از وزیر میکند برای او راه طفره نباشد. هر موقع که بانک مقتضی دانست ودایع را از جاهائی که دارد بیاورد در آنجا. وزیر مالیه مایل نشد که بیاید مالیاتها را در بانک بگذارد؟ بنده سؤال میکنم به بنده جواب میدهد شما گفتید: هر موقع مقتضی بداند. من فعلاً مقتضی میدانم پولتیک ژنرال مملکت اجازه نمیدهد. در اینصورت من چطور میتوانم سؤال کنم؟! بالاخره نظر بنده و همینطور تمام علاقه مندان به بانک این است که تمام عوائد وارد بانک شود و مخارج از آنجا بشود و نظر بهمین جهاتی که عرض کردم تا چارم مخالفت کنم و رأی ندهم با اینکه فوق العاده علاقه مند بیک مؤسسه عام المنفعه هستم.

مخبر - دو نکته را آقای آقا سید یعقوب ایراد کردند و امیدوارم به اندک توجهی بعراض بنده رفع اشتباهشان بشود. یکی راجع به مسئله کمیسر فرمودند و تصور کردند که بنده عرض کرده ام همانطور که دولت ایران در بانک شاهنشاهی کمیسر دارد اینجا هم باید کمیسر داشته باشد. مقصود این نبود مقصود این است که خود بانک يك کمیسر و مفتش در خود اداره مرکزی بانک دارد که مفتش تمام اعمال بانک است و خود صاحب بانک این کار را میکند نه کمیسر دولت و مفتش هم اینطور که ملاحظه میفرمائید مفتش وزیر مالیه نیست مفتش دولت است وزیر مالیه و هیئت دولت باید تصویب کنند که یک نفر مفتش در آنجا باشد که بدون اینکه داخل

در معاملات بانک بشود در عملیات بانک نفیثش کند بنا بر این امیدوارم آن ایراد حضرتعالی رفع شود نسبت به این ماده ایراد نفرمائید. در ماده بعد هم که ایراد فرمودند مقتضی نیست اینکه نوشته شده است هر وقتی که عملیات بانک توسعه پیدا کرد و وسائل مطمئنه برای بکار انداختن و استفاده از وجوه ودایع دولتی فراهم شد. وجوه دولتی بآن جا انتقال داده شود. خودتان تصدیق میفرمائید قبل از اینکه بانک توسعه پیدا کند اصلاً دادن وجوه ودایع به آنجا چه صورتی دارد آیا میفرمائید می شود؟ بنده که گمان نمی کنم آقا این عقیده را داشته باشند. پس لازم است اول این وسائل فراهم شود بعد دولت این وجوه را بدهد به آنجا و الا نا وقتی که وسائل بکار انداختن وجوه در آنجا فراهم نشود بنده نمیتوانم چه صورتی پیدا میکند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

کازرونی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم

رئیس - بفرمائید

کازرونی - يك نکاتی است که باید در تحت عنوان مخالفت اظهار شود و يك توضیحان داده شود و در صورت مشروح مجلس قید شود که در آتیه مورد استفاده واقع شود بنا بر این بنده استدعا میکنم اجازه بدهند که آن اظهارات بشود و جواب داده شود.

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه

مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمائید
(اکثر برخاستند)

رئیس - اکثریت است. رأی گرفته میشود باین لایحه که مشتمل بر پانزده ماده است با اوراق آقایانیکه تصویب میکنند اوراق سفید میدهند

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده و هفتاد ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده حاضر هشتاد و هشت. با هفتاد رأی

تصویب شد

اسامی موافقین

آقابان: میرزا عبدالله خان وثوق - افخمی - افشار
امیر حسین خان ابلخان - طاهری - فهیمی - امام
جمعه شیراز - دادگر - شیروانی - ملک مدنی - لبقوایی
غلامحسین میرزا مسعود - دکتر سنک - میرزا حسن
آیه الله زاده - میرزا سیدعلی - خطیبی - زعیم - معتمد
التولیه - محمد تقی خان اسعد - آوانس خان مساعد -
حاج آقا حسین زنجانی - ثقة الاسلام بروجردی - شریعت
زاده - امام جمعه اهر - ثقة الاسلامی - خواجوی - حاج
علی کبرامین - مفتی - مهدوی - نظامی - باسائی - دولتشاهی
عصر انقلاب - طباطبائی دیبا - حاج اقا رضا رفیع -
میرزا عبدالباقی - روحی - مرتضی قلیخان بیات - جلالی
حیدری - اعتبار - کلالی - یحیی خان زنگنه اعظمی -
محمدولی میرزا - زوار - وزیري - ساکینیان - معظمی -
آقاعلی زارع - آریاب کیخسرو - عدل - اسکندخان مقدم
امیر اسدالله خان عامری - میرزا حسن خان ابراهیمی -
عراقی - جوانشیر - ملک آرائی - سید کاظم زدی - دکتر
رفیع خان امین - میر ممتاز - ذوالقدر - نگهبان - دکتر
لقمان - افسر - میرزا هاشم آشتیانی - دیوان بیگی -
بنی سلیمان - نجومی - اسفندیاری - سید حسین آقابان

(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس - خبر کمیسیون مرخصی...

بعضی از نمایندگان - عده کافی نیست

رئیس - پس میباید برای جلسه آتیه. جلسه آتیه روز شنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور: اولاً خبر کمیسیون بودجه راجع به اضافات پست و تلگراف ثانیاً خبر کمیسیون معارف راجع بوزش اجباری در مدارس. ثالثاً خبر کمیسیون بودجه راجع به فرخ خان و عباسخان. آقای باسائی

باسائی - عرض میشود. در خبر کمیسیون معارف راجع بوزش اجباری آنقدر عجله نیست راپرت کمیسیون بودجه راجع به اضافات ۱۳۰۵ وزارت فوائد عامه هم تقدیم مجلس شده است خوبست بعد از راپرت اضافات پست و تلگراف این موضوع مطرح شود و بنده گمان میکنم مقدم بر تمام لوايح همین دو لایحه اضافی پست و تلگراف و فوائد عامه هست برای این که اینها بگذرد که بودجه های مملکتی را کمیسیون بودجه بتواند تهیه کند و تقدیم مجلس کند.

رئیس - چون عده برای رأی کافی نیست تمام اینها

در جلسه آتیه حاضر میشود هر کدام را که مجلس رأی داد جزو دستور میشود.

قانون

اجازه تأسیس بانک ملی ایران برای پیشرفت امر تجارت و فلاحت و زراعت و صناعت

مصوب ۱۴ اردی بهشت ۱۳۰۶ شمسی

ماده اول - دولت مکلف است برای پیشرفت امر تجارت و فلاحت و زراعت و صناعت بانگی موسوم ببانک ملی ایران تأسیس نماید که مرکزش در طهران و شعب آن متدرجاً در ایالات و ولایات و ممالک خارجه دائر خواهد شد

ماده دوم - سرمایه اصلی بانک بانزده میلیون تومان خواهد بود و محل آن وجوه حاصله از فروش جواهرات دولتی و خالصات است که بموجب قوانین مخصوص بفروش خواهد رسید

ماده سوم - برای اینکه سرمایه ابتدائی جهت شروع بکارهای بانک تهیه شود دولت مجاز است مبلغی که بیش از پنج میلیون تومان نباشد از ودایع خود (باستثنای وجوه انحصار قند و چای) بعنوان سرمایه ببانک بپردازد و اضافه عایدات و صرفه جوئیهای بودجه مملکتی ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ را از بابت آن مبلغ محسوب و بقیه آنرا در بودجه ۱۳۰۷ و سنوات بعد مبلغی که بیش از سالیانصد هزار تومان نباشد در جزء بودجه مخارج مملکتی منظور نماید

ماده چهارم - از منافع خالص بانک آنچه بدوات تعلق میگیرد سرمایه بانک افزوده میشود تبصره - در دو سال اول هرگاه لازم شود دولت میتواند مخارج اداری بانک را از صرفه جوئیهای اعتباراتی که برای مخارج جمع آوری سایر عوائد بااستثنای عواید حاصله از قند و شکر و چای منظور گشته بپردازد

ماده ۵ - بانک مجاز است ودایع نقدی مدت دار و جاری قبول کند و بااستثنای مواردیکه در ماده ۶ ممنوع گشته برای پیشرفت تجارت و فلاحت و صناعت پول قرض بدهد مشروط براینکه قروض مزبور بوسیله اموال معتبره اعم از منقول یا غیر منقول و یا ضمانت شخص و یا اشخاصی که اعتبارشان نزد بانک مسلم باشد و یا مؤسسات معتبره تأمین گردد شرایط قبول ودیعه بارهن و دادن وجه در نظامنامه معین خواهد شد

تبصره - کلیه قروضی که بترتیب فوق داده میشود نباید از ثلث سرمایه موجود بانک تجاوز نماید

ماده ۶ - بانک ملی از قرض یا مساعده دادن بدولت یا وزارتخانهها و یا ادارات و دوائر دولتی و بلدی بدون تصویب مجلس شورای ملی ممنوع خواهد بود

تبصره - بلدییه های قانون تا میزان صدی سی از عایدات مسلم سالیانه خود میتوانند از بانک مساعده تقاضا نمایند

ماده ۷ - برای اداره کردن بانک دولت مجاز است بکنفر متخص فنی استخدام نماید

تبصره ۱ - عجله برای تأسیس بانک دولت بکنفر متخص آمریکائی بمدت سه سال یا حقوقی که بیش از سالی دوازده هزار دلار نباشد استخدام نماید

تبصره ۲ - سایر شرایط مالی استخدام متخص مزبور مطابق مواد مربوطه قانون مصوب ۲۹ اردی بهشت ۱۳۰۴ خواهد بود

تبصره ۳ - باید تخص متخص مزبور را دولت آمریکا تصدیق نماید

ماده ۸ - رئیس بانک هرشماه بکمرته خلاصه عملیات و وضعیت بانک را بوزارتالمالیه راپورت میدهد و در فروردینماه هر سال خلاصه حساب (بیلان) سال قبل را منتشر مینماید بعلاوه بکنفر مفتش برحسب پیشنهاد وزارت مالیه و تصویب هیئت وزراء برای نظارت در جریان امور و معاملات بانک معین میشود

تبصره - وظایف مفتش بموجب تصویبنامه هیئت وزراء معلوم خواهد شد

ماده ۹ - بانک ملی میتواند وجوه مختصر که مبلغ آن کمتر از یکقران نباشد از هرکسی قبول نموده رسید بدهد و هر وقت جمع وجوه متعلقه بشخص واحد بده تومان بالغ شد مطابق نظامنامه بانک حق المضاربه بآن نیز تعلق خواهد گرفت

ماده ۱۰ - کلیه دفاتر و نوشتجات و مکاتبات بانک ملی بزبان و خط فارسی خواهد بود

ماده ۱۱ - نظامنامه تشکیلات بانک ملی و نظامنامههای مذکوره در مواد ۵ و ۹ را وزارت مالیه با موافقت رئیس بانک تهیه نموده و پس از تصویب هیئت وزراء و کمیسیون قوانین مالیه اجرا میگذازد

ماده ۱۲ - هر موقعی که عملیات بانک توسعه پیدا کرد و وسایل مطمئن برای بکار انداختن واستفاده از وجوه ودایع دولتی فراهم شد دولت مکلف است وجوه ودایع خود را ببنک ملی انتقال دهد هم چنین در هر نقطه شعبه بانک دائر شد عوائد دولتی کلیه بانجا تحویل شده نقل وانتقال وجوه متعلقه بدولت بوسیله بانک مزبور انجام میگیرد

ماده ۱۳ - پنج میلیون تومان سرمایه ابتدائی که بر طبق مدلول ماده ۳ ببانک پرداخته میشود به سرمایه اصلی بانک مذکوره در ماده ۲ افزوده شده و سرمایه بانک کلیه بیست میلیون تومان خواهد بود

ماده چهاردهم - دولت مکلف است که فوراً بعد از استخدام متخص آمریکائی لایحه را برای تبدیل اساس پول ایران بطلاحت مطالعه قرار داده در ظرف یکسال مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید

ماده پانزدهم - اینقانون از تاریخ تصویب در ظرف ششماه اجرا گذاشته میشود و وزیر مالیه مأمور اجرای آن است

اینقانون که مشتمل بر پانزده ماده است در جلسه چهاردهم اردی بهشت ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید حسین پیرنیا: رئیس مجلس شورای ملی

قانون

اعتبار برای تشکیل مدارس ابتدائی و تعلیمات عمومی

مصوب ۱۴ اردی بهشت ماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده اول - بدوات اجازه داده میشود که از سنه ۱۳۰۵ مبالغی را که بترتیب ذیل ذکر میشود علاوه بر بودجه سابق وزارت معارف برای تشکیل مدارس ابتدائی به تناسب مالیات شهرها و دهات و قصبات و ایلات در آن نقاط بمصرف برساند

در ۱۳۰۵	۶۰۰۰۰ تومان
« ۱۳۰۶ »	« ۱۶۰۰۰۰ »
« ۱۳۰۷ »	« ۲۶۰۰۰۰ »

در ۱۳۰۸ « ۳۶۰۰۰۰ »

« ۱۳۰۹ ۵۰۰۰۰۰ »

ماده دوم - وجوه مذکوره در ماده اول از بابت صدی نیم عایدات املاک اربابی که تخصیص به تحصیلات ابتدائی داده شده محسوب خواهد شد و در محاسبه هر سال چنانچه عواید صدی نیم از مبلغی که در ماده اول مذکور است تجاوز نماید مبلغ سال بعد افزوده و در حدود این قانون بمصرف خواهند رساند .

ماده سوم - مادامی که صدی نیم معارفی بالتمام بحیطه وصول در نیامده وزارت مالیه مجاز است از بابت صرفه جوئیهای بودجه مملکتی هر سال مبالغ مذکوره در ماده اول را تأدیه نماید و بعد از بابت صدی نیم مأخوذ دارد .
ماده چهارم - هرگاه در ترتیب مالیات اربابی و دواپ مصوب ۲۰ دیماه ۱۳۰۴ تغییری حاصل شود همیشه مبلغی که مختص تعلیمات ابتدائی مملکت است کمتر از يك هفتم هر مالیاتی که بجای مالیات مذکوره وضع گردد نخواهد بود و باید بر طبق مواد مندرجه در این قانون بمصرف برسد .

ماده پنجم - تهیه محل و لوازم و اثاثیه و کتب ابتدائی و حقوق و خرج سفر معلمان و حقوق مستخدمین از مبالغ منظوره در ماده اول بعمل خواهد آمد .

تبصره - اعزام معلم از مرکز در صورتی است که در محل تهیه نشود .
ماده ششم - در صورتیکه صدی نیم مالیات يك ده تکافوء با تأسیس و نگاهداری مدرسه در آن ده نماید وزارت معارف میتواند عایدات صدی نیم چند ده یا قصبه مجاور را که برای تأسیس و نگاهداری یکباب مدرسه کافی باشد در مناسبترین موقع آن دهات و یا قصبات بمصرف تأسیس رساند .

ماده هفتم - در مراکز ایالات و ولایات مهمه و هر نقطه دیگری که وزارت معارف صلاح بداند در سنه ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ از محل وجوه صدی نیم دارالمعلمین و دارالمعلمات ابتدائی (برای تهیه معلم و معلمه مدرسه ابتدائی که در اینقانون معین شده) تأسیس خواهد نمود .

ماده هشتم - وزارت معارف مجاز است در نقاطیکه صلاح و مقتضی میدانند در دهات و قصبات کلاس اکابر ابتدائی تأسیس نماید .

ماده نهم - وزارت معارف مکلف است از وجوه مذکوره در ماده اول مدارس ابتدائی سیار برای ایالات تأسیس نماید .

ماده دهم - وزارت معارف مامور اجرای اینقانون و وزارت مالیه مسؤل پرداخت وجوه مذکوره در این قانون میباشد .

این قانون که مشتمل بر ده ماده است در جلسه چهاردهم اردیبهست ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

حسین پیرنیا : رئیس مجلس شورای ملی